

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۴ (پیاپی ۲۱) زمستان ۸۷

## تأملی بر دیوان نافر جام امیر معزی\* (علمی - پژوهشی)

دکتر احمد رضا یلمه ها

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

### چکیده

دیوان امیر معزی شاعر معروف عصر سلاجقه تاکنون دوبار به چاپ رسیده است. چاپ نخست توسط استاد فقید عباس اقبال آشتیانی در سال ۱۳۱۸ هجری شامل ۱۸۶۲۳ بیت از سوی کتابفروشی اسلامیة در تهران و چاپ دیگر این دیوان توسط ناصر هیری از سوی نشر مرزبان صورت گرفته است. تصحیح اخیر به گونه ای نابسامان و بازاری است و ظاهراً از روی نسخه چاپی دیوان تصحیح استاد اقبال بدون اشاره به نسخه و یا نسخ و زمان کتابت نسخه های در دست مصحح و ویژگیهای آن صورت گرفته است. از این رو از پرداختن به این نسخه مغلوط و مغشوش در این نوشتار صرف نظر و سعی شده به برخی سستی ها و کاستی های متن مصحح استاد اقبال و اغلاط و تحریفات و تصحیفات فراوان این دیوان در مقابله با نسخه های جدید پرداخته شود.

واژگان کلیدی: دیوان امیر معزی، نسخه های خطی، امیر معزی، شعر فارسی.

### مقدمه

ابوعبدالله محمد بن عبدالملک نیشابوری معروف به امیر معزی، یکی از شعرای مشهور عصر سلجوقی به شمار می رود. اشعار این شاعر علاوه بر فصاحت و جزالت و شیرینی و دلنشینی کلام در بررسی سبک شعری عصر سلجوقی و از حیث بررسی پیشرفت غزلسرای (با توجه به کوششی که او در سرودن غزلهای نغز داشته است.) و هم چنین اشمال بر وقایع تاریخ همزمان با شاعر حائز اهمیت است. بهترین چاپی که از دیوان این شاعر در سده اخیر به حلیه طبع آراسته شده، چاپ استاد عباس اقبال آشتیانی است که در

\* تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۶/۳/۲۱

\* تاریخ ارسال مقاله: ۸۵/۱۲/۶

سال ۱۳۱۸ هجری از سوی کتابفروشی اسلامیة، شامل قصاید و غزلیات، مقطعات و ترکیبات، رباعیات و اضافات، شامل ۱۸۶۲۳ بیت صورت گرفته است. با بررسی و تحلیل و تأمل و توغّل در این تصحیح می توان نتیجه گرفت که این تصحیح نمی تواند متنی مستند و علمی و تحقیقی از دیوان این شاعر باشد؛ به این دلایل:

۱- متن دیوان بر اساس سه نسخه متأخر و مغلوپ صورت گرفته و چنانکه مصحح در مقدمه دیوان اشاره کرده هر سه نسخه بدون تاریخ و با هویتی نامعلوم است.

۲- شیوه تصحیح در این چاپ مشخص نشده است. مصحح چه نسخه ای را بر چه اساسی به عنوان نسخه متن قرارداد و نسخه بدل را از کدام ضبط برگزیده است؟

۳- با توجه به متأخر بودن نسخ و نبود نسخه های متعدد از دیوان این شاعر، متن دیوان فاقد ضبط اختلافات نسخ در بیشتر موارد است.

۴- بسیاری از ابیات دیوان، چنانکه مصحح در مقدمه نیز بدان اشارت کرده، همچنان مشکوک و مبهم مانده و مصحح در کنار آن علامت سؤال (و یا کذا) مرقوم کرده است.

۵- ابیات فراوانی از این دیوان با واافتادگی و اسقاطات به صورت نقطه چین ضبط شده است.

۶- ضبط های محرّف و مصحّف در متن دیوان آن قدر فراوان است که استخراج همه آنها از متن، کتاب جداگانه ای خواهد شد.

۷- بسیاری از مضاربع در ابیات متوالی، جا به جا و یا به صورت ترکیب دو بیت در یک بیت مضبوط است.

۸- تعداد زیادی از ابیات در اثنای قصاید محذوف است.

۹- دیوان فاقد فهرست اشعار، اعلام، لغات، ترکیبات و .... است.

از آنجا که نگارنده چند سالی است به کار تصحیح و تنقیح دیوان این شاعر اشتغال دارد و نسخه های مختلف دیوان این شاعر را از نظر گذرانده است، هنگام مقابله نسخه های متعدد با نسخه چاپی دیوان این شاعر با موارد فراوانی از تصحیفات و تحریفات روبه رو شد که برخی از این تصحیفات و خطاهای تصحیح شادروان اقبال در این مقاله در اختیار علاقه مندان قرار داده می شود:

## ابیات و افتاده

ص ۱۳۱ بیت ۲۹۵۱:

در دل میمند و ماچین آتش افروزد به تیغ روز میمند بر سجیل ..... سجین کند(؟)

این بیت به همین صورت در دیوان مصحح استاد اقبال مضبوط است و مصحح در کنار آن علامت سؤال مرقوم کرده اند. در نسخه مکتوب به سال ۷۱۴ به نام «منتخب دواوین سته» به خط عبدالؤمن علوی کاشی، محفوظ در کتابخانه ایندیا آفیس، بیت یادشده بدین صورت مضبوط است:

در دل میمند و سجیل آتش افروزد به تیغ روز بر میمند و بر سجیل چون سجین کند  
ص ۳۵۹ بیت ۸۴۸۱:

من زدل گیرم قیاس ..... خویشتن او زمن گیرد قیاس این دل نابردبار  
مصراع اول بیت مزبور در نسخه مکتوب به سال ۷۱۴ چنین آمده است: «من زدل گیرم به عشق اندر قیاس خویشتن».

ص ۳۷۳ بیت ۸۷۷۷:

در میان بیشه او خوابگاه ازدها در کنار چشمه او آهوان را آبخور  
چون چه دوزخ به تاریکی نشییش را ..... چون پل محشر ز تاریکی فرازش را ممر  
در نسخه ایندیا آفیس این دو بیت چنین است:

در میان بیشه او ازدها را خوابگاه بر کنار چشمه او آهوان را آبخور  
چون دم دوزخ ز تاریکی نشییش را بخار چون پل محشر ز تاریکی فرازش را ممر  
ص ۳۷۴ بیت ۸۸۰۱:

این یکی افکند ناخن تا کند تعویذ ..... وان یکی .....

این بیت نیز به همین صورت در متن دیوان تصحیح استاد اقبال مضبوط است. در این نسخه خطی این بیت چنین ضبط گردیده است:

کاین یکی افکند ناخن تا کند تعویذ اسب وان یکی از بهر پر تیر آن بفکند پر  
بیت ۸۸۰۴:

هر که او معبود را بر عرش گوید مستوی مذهب او ..... سر به سر یکسر بدر  
مصراع دوم بیت یادشده در این نسخه خطی چنین است «مذهب و حجتش باشد سر به سر یکسر هدر». (حجتش با سکون ج تلفظ شود).

### جا به جایی مصاریع

از دیگر تحریفات متن دیوان معزی تصحیح استاد اقبال اییاتی است که با جا به جایی مصاریع دوم ضبط شده است. این ابیات در متن دیوان، فراوان است. دو نمونه ذکر می شود:

ص ۳۶۳ ب ۸۵۷۲:

بنگر این سرگشته پیلان معلق در هوا      نعره شان بنگر چو کوس اندر مصاف کارزار  
آتش از دلشان درفشان چون سنان اندر نبرد      بر فراز و بر نشیب از دیده مروارید بار  
در تمامی نسخ در دست نگارنده، دو بیت مزبور چنین ضبط گردیده است:

بنگر این سرگشته پیلان معلق در هوا      بر فراز و بر نشیب از دیده مروارید بار  
آتش از دلشان درفشان چون سنان اندر نبرد      نعره شان بنگر چو کوس اندر مصاف کارزار  
ص ۹۰ ب ۱۸۴۸:

طبعم زبوی همت تو تازه چون شده است      گر خاک در گه تو چو زر عیار نیست  
جانم به خاک در گه تو شاد چون شده است      گربوی همت تو چو ابر بهار نیست  
در نسخ در دست نگارنده، دو بیت زیر چنین آمده است:

طبعم زبوی همت تو تازه چون شده است      گربوی همت تو چو باد بهار نیست  
جانم به خاک در گه تو شاد چون شده است      گر خاک در گه تو چو زر عیار نیست

### تحریفات و تصحیفات

ب ۱۳۸۰:

تیغ تو ابر بود و سپر آفتاب بود      کردند جنگیان تو خم ابر و آفتاب  
به جای کلمه بی ارتباط « خم » در مصراع دوم، « ضم » صحیح است. در ادامه این قصیده آمده است:

وین طرفه تر که جان و دلم را گسسته اند      در زیر بار شکر و نعم ابر و آفتاب  
به جای کلمه « گسسته اند »، « کشیده اند » صحیح است.

ب ۱۵۳۴:

از نهیب نعل اسب و مخلب شاهین او      مه به ماهی رفت و ماهی ماه را پیکر گرفت  
به جای نیم مصراع محرّف اخیر در نسخه مکتوب به سال ۱۰۳۹، چنین آمده است: « رفت و ماهی راه دو پیکر گرفت » که صحیح همین است.  
ب ۱۵۴۴:

شاه چین در این ضیافت چاکر در گاه توست در ضیافت رسم ابراهیم بن  
آزر گرفت

به جای مصراع اول در اقدم نسخ چنین آمده است: «کمترین چاکر که اندر خدمت در گاه  
توست» و بیت قبل آن چنین است:

گر ضیافت کرد ابراهیم بن آزر مدام تا غریبان را به حکم خویشان چاکر گرفت  
که به جای «حکم» در مصراع دوم، «شکر» صحیح است.

ب ۱۶۳۵:

خورشید زمینی تو و هر روز به خدمت خورشید فلک بر سر توسعد میان است  
به جای ترکیب بی ارتباط «سعد میان»، «سعد فشان» صحیح است.

ب ۱۹۱۵:

بگذشت ز اعتدال همه کارهای او کس را از او کنون طمع اعتذار نیست  
به جای واژه نامناسب «اعتدال» در مصراع نخست، «اعتداد» به معنی به شمار آوردن و  
شمارش صحیح است.

ب ۱۹۳۹:

لاجرم با مرد و زن زان روز کاین عالم بود برتن و جان تو اندر مشرق و مغرب دعاست  
به جای مصراع اول در نسخه مکتوب به سال ۱۰۳۹ صدرالدین محمد بن جعفر معمار  
اصفهانی، که در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ و بسیار شبیه نسخه ۷۱۴ هجری  
است، چنین است: «لاجرم ز امروز تا آن روز کاین عالم بود» و بیت بعد چنین است:  
تا که از تشبیه شکل آسمان و آفتاب راست چون پیروزه گون دولاب و سیمین آسیاست  
که به جای سیمین در مصراع اخیر، زرین صحیح است.

بیت ۲۱۷۶:

باطل کند حسام تو چون معجز کلیم چندانکه حاسدان تو را سحر مبطل است  
طبق نسخ در دست نگارنده، صحیح مصراع دوم چنین است: «چندانکه حاسدان تو را سحر  
و تُنبِل است». تنبیل به معنی مکرو حیل و به این معنی در اشعار دیگر امیرمعزی به کار رفته است:

تنبیل نداشت سود کرا عزم او شکست افسون نداشت سود کرا کین او گزید

ب ۲۵۲۴:

اندر طلب وصلش بی صبر و قرارم تا کی ز چنان روی مرا صبر و قرار است  
مصراع دوم در اقدم نسخ چنین مضبوط است: « یارب ز چنان روی کرا صبر و قرار است »  
ب ۲۵۶۳:

تا گهر آرد دستم چه مرا گویی خذ تا گهر بارد طبعم چه مرا گویی هات  
به جای « چه » در هر دو مصراع « چو » صحیح است .  
ب ۲۵۷۱:

به تیر ماند و او را به قیر پیکان است به مرغ ماند و او را زقار منقار است  
این بیت و ابیات بعد در تشبیب قصیده ای است در لغز قلم . بیت بعد که با این بیت بسیار  
متناسب است در متن دیوان چاپ استاد اقبال محذوف است :

که دید تیر که پیکان او پر از قیر است که دید مرغ که منقار او پر از قار است  
در ادامه این قصیده در متن دیوان چاپی آمده است :

به پای بسته ولیکن به فرق او سر اوست به تن درست ولیکن به روی بیمار است  
در اقدم نسخ به جای نیم مصراع « ولیکن به فرق سر اوست » ، چنین آمده است: « ولیکن به  
فرق تیز رواست » که با سیاق کلام سازگاتر است .  
ب ۲۹۱۹:

ور نسیم خط و رخسارش رسد بر آسمان سنبله پر سنبل و نثره پر از نسرین کند  
به جای « نثره » در نسخه مکتوب به سال ۷۱۴ نسرین ( نام دو صورت فلکی ) مضبوط  
است ( نسرین پر نسرین کند ) .

ب ۲۹۴۵:

کس نیارد باختن با بخت تو شطرنج ملک کو به یک بیدق همه شهمات را تعیین کند  
به جای « ملک » در همه نسخ در دست نگارنده ، « کین » آمده است .

ب ۲۹۸۲:

بر بساط جنت ابراهیم را باید نشست تا به زیر پایش آتش سوسن و عبهر  
شود به جای « جنت » در اقدم نسخ ، « خلت » آمده که صحیح همین است .

ب ۲۹۸۹:

از دهن افسار گردد هر که با تو سر کشد و انکه سر بر خط نهد شایسته افسر شود

به جای « از دهن » « از در » صحیح است .

ب ۳۱۲۶:

گهی نسیم طربشان دهی زطبع کریم      گهی سرشک نعمشان دهی ز دو کف راد  
طبق نسخ در دست نگارنده به جای « طربشان » ، « کرمشان » صحیح است .

ب ۳۷۷۱:

سر دهد بر باد و از پای اندر آید زین سپس      هر که پای از خط و از فرمان او بر سر دهد  
به جای مصراع مغشوش دوم در اقدم نسخ چنین آمده است: « هر که پا از خط نهد بیرون  
و درد سر دهد » .

ب ۴۰۶۶:

دوستان را بوی آن عنبر نشاط دل دهد      دشمنان را عکس آن گوهر بهشت جان دهد  
به جای ترکیب « بهشت جان » در مصراع دوم « نهیب جان » صحیح است و ردیف این  
قصیده « بود » ، است که اشتبهاً در این بیت و بیت بعد « دهد » آمده است: « نهیب جان بود » .

ب ۴۱۱۵:

صاحب عادل که بخت از کنیت و نامش همی      صورت فتح و ظفر در نام احرار آورد  
به جای واژه مکرر « نام » در مصراع دوم ، « چشم » صحیح است .

ب ۴۱۶۳:

مشتری سعد است چون کین توزد از اعدای خویش      آفتاب او را لقب مریخ کیوان کین  
نهاد ؟

این بیت به همین صورت در متن ضبط شده و استاد اقبال در کنار آن علامت سؤال گذاشته اند.  
صورت صحیح بیت چنین است: « مشتری مهر است و چون کین توخت از اعدای خویش »

بیت ۴۹۹۳:

اگر به شقه زرش مغرق است کلاه      و گر به کوکب سیمش مزین است کمر  
بر اساس اقدم نسخ به جای واژه بی ارتباط « شقه » ، « شفشه » به معنی شمس طلا صحیح  
است . در بیت بعد در همان قصیده آمده است:

زاشک من کمرش را سزاست کوکب سیم      زچشم من کلش را سزاست شقه زر

که در این بیت نیز به جای «شقه»، «شفشه» صحیح است. این تحریف در ابیات دیگر این شاعر در این دیوان مشهود است.

عکس او در جرم او گویی مرکب کرده اند در میان دسته گل سفته زر عیار  
به جای واژه نامناسب «سفته»، «شفشه» صحیح است.  
ب ۵۱۰۴:

آذر به جای لاله کوهی است با فروغ آذر به جای سوسن جویی است آبدار  
به جای واژه مکرر «آذر» در مصراع دوم «آبی» صحیح است به معنی میوه به و بیت در  
وصف خزان است.

ب ۵۱۷۴:

سایه یزدانش خوان او را که گرخوانی سزاست زانکه هست او سایه یزدان و خورشید تبار  
به جای نیم مصراع اول در اقدم نسخ چنین آمده است: «سایه و خورشید خوان او را» که با  
سیاق کلام سازگارتر است.

ب ۵۵۴۷:

با دولت عالیش مدار است جهان را چندانکه مدار است جهان را به مدر بر  
به جای واژه مکرر «جهان» در مصراع دوم، فلک صحیح است.

ب ۵۶۰۵:

در خزانه عقلی به اتفاق چنانک در مدینه علم است حیدر کرار  
به جای خزانه در اقدم نسخ، «خزینه» مضبوط است که با مصراع ثانی سازگارتر است  
(موازنه).

ب ۵۶۱۷:

زاشک خسته رسانی به پشت ماهی نم زخون کشته رسانی به روی ابر بخار  
به جای «ابر» در بیشتر نسخه ها «ماه» مضبوط است که اصح همین است (ماه و ماهی).

ب ۵۶۲۲:

مخالفان به تفاریق سست و خفته شوند چو جمع شد دل هشیار و دولت بیدار  
به جای واژه «سست» در اقدم نسخ «مست» آمده که با سیاق کلام سازگارتر است  
(مست و هشیار).



ب ۵۶۹۴:

به کوه سونش سیم و به باغ آبی و سبب مگر که سیمگر و زرگرند لشکر تیر  
این بیت نیز در وصف خزان، و در اقدم نسخ، مصراع نخست چنین است: «به کوه سونش  
سیم و به باغ زر زده است» که با مصراع دوم متناسبتر است.

ب ۵۶۹۷:

ز فربهی شد و زینت به سان ربع و طلل هر آن صنم که در آن خانه بود چون تصویر  
به جای این بیت در نسخه مکتوب به سال ۱۰۳۹ چنین آمده است:

ز فرّ و زیب تهی شد به سان ربع و طلل هر آن چمن که چو بتخانه بود پر تصویر

ب ۵۸۴۲:

در صنع چه جودش چه نم قطره باران در خشم چه فعلش چه تف شعله آذر  
به جای نیم مصراع اول بیت دوم در تمامی نسخ در دست نگارنده چنین است: «در فعل چه  
خشمش» که با سیاق کلام سازگارتر است.

ب ۶۳۴۸:

سپهر قدرت و بهرام تیغ و تیر قلم زحل ستاره و مه رای و مشتری اختر  
به جای ترکیب «زحل ستاره» در همگی نسخ در دست نگارنده «زحل سیاست» ضبط  
شده است.

ب ۷۷۰۸:

تا زرّ او بدیدم شد موی من چو سیم تا سیم او بدیدم شد موی من چو زر  
به جای واژه مکرر «موی» در مصراع دوم، «روی» صحیح است.

ب ۷۸۲۹:

در شریعت دزد را باید بریدن دست و پا زلف او دل دزد شد پس خوبش ببریدند سر  
به جای نیم مصراع محرف اخیر در اقدم نسخ چنین مضبوط است: «پس چونش ببریده  
است سر» که اصح است. بیت قبل آن چنین است:

زلف او در اصل کوتاه است و هر روزی به قصد از سرش لختی ببرد تا شود کوتاهتر

و به جای مصراع اول این بیت در نسخه یاد شده چنین است: «زلف او هر روز از سر می چرا  
برّد به قصد»

ب ۸۴۵۹:

ای بسا حصنا که از کین تو شور و شر نمود بازگشت آخر به ملک و دولت او شور و شر به جای « حصنا » در بیشتر نسخه ها « خصما » آمده که اصح است .

ب ۸۵۹۸:

گفت کانجا یاد تو با ما تو را فرزند توست      باید آنجا از تو فرزند تو ما را یادگار  
طبق اقدم نسخ صحیح بیت چنین است :

گفت کانجا یادگار از ما تو را فرزند توست      باید اینجا از تو فرزند تو ما را یادگار

ب ۸۶۱۶:

گرچه آمد داستان خسرو شیرین پسر      خسرو دیگر منم شیرینم آن شیرین پسر  
این بیت مطلع قصیده است و به جای « پسر » در مصراع اول « به سر » صحیح است .

ب ۸۶۶۹:

اندر کف عاشقان سرمست      از شادی و حال دوست منشور

مصراع دوم طبق ضبط اقدم نسخ چنین است: « از شادی وصل دوست منشور »

ب ۸۷۹۴:

آسمان خاطر او از گهر تابد نجوم      بر جود او زدینار و درم بارد مطر

به جای تابد در مصراع اول ، « دارد » صحیح است و در مصراع دوم به جای « بر جود » ، « ابر جود » صحیح است که از اغلاط مطبعی است .

ب ۱۰۱۲۹:

صبا گرفته به دندان عنان مرکب تو      که از صبا ببرد مرکب تو گوی سباق

به جای ضبط محرف مصراع اول در اقدم نسخ چنین آمده است: « صبا گرفت نداند عنان

مرکب تو »

ب ۱۰۱۴۶:

بخواه بچه معلاق رز ، به شادی آنک      زسنبل است همیشه به گلستان معلاق

صحیح مصراع دوم طبق نسخه مکتوب به سال ۱۰۳۹ چنین است: « زسنبل است همه ساله

بر گلش معلاق » معلاق یعنی آویخته و منظور زلف آویزان بر رخسار معشوق است .

ب ۱۰۴۲۲:

ز رخس رستم تمثال دیده ام لیکن  
را تمثال

به جای واژه محرّف « نوشته » « به شبه » صحیح و صورت صحیح مصرع چنین است :  
« به شبه و صورت او نیست رخس را تمثال » .

ب ۱۰۴۴۴:

کسی که با تو به عهد اندرون نه چون الف است

زییم تو دل و دستش چو میم باد و چو دال

به جای واژه نامناسب « دستش » در مصراع ثانی، « پشتش » صحیح است .

ب ۱۱۷۷۵:

روز فخر الب ارسلان را فخر باشد بر ملوک زانکه آمد چون تو شاه از گوهر الب ارسلان  
به جای « روز فخر » در آغاز بیت، « روز حشر » صحیح است .

ب ۱۱۷۸۰:

سروران اکنون از این شادی بیفزایند سر خسروان اکنون از این رامش بیفروزند جان

به جای ترکیب « بیفزایند سر » در تمامی نسخ در دست نگارنده، « بیفرازند سر » صحیح است .

ب ۱۱۸۸۵:

بدرد زهره ها چو گویی هان بدمد جانها چو گویی هین

بر اساس ضبط اقدم نسخ به جای « بدمد » در آغاز مصرع دوم، « برمد » صحیح است.

ب ۱۳۵۱۷:

همت تو گر امل را گوید اندر صلح هان هییت تو گراجل را گوید اندر بزم هین

به جای واژه بی ارتباط « بزم » در مصراع دوم « رزم » صحیح است و بیت بعد نیز از متن دیوان چاپ استاد اقبال محذوف است :

صورتی گردد امل در دست او منشور مهر پیکری گردد اجل در دست او شمشیر کین

ب ۱۳۸۵۵:

از خیمه تا سعدی بشد وز حجره تا سلمی بشد وز حجله تا لیلی بشد گویی بشد جانم زتن

در اقدم نسخ به جای «حجله» در مصراع دوم «حله» به معنی محله و کوی مضبوط است که اصحّ است.

ب ۱۳۸۶۱:

تمثالهای بوالعجب حال آوریده بی سبب گویی دریدند ای عجب برتن زحسرت پیرهن به جای نیم مصراع محرف «حال آوریده بی سبب»، «چاک آوریده بر سلب» صحیح است.

ب ۱۴۱۸۰:

چه باک از اینکه جهان سرد گشت و ناخوش شد

که خانه گرم و مغنی خوش است و یار جوان

به جای نیم مصراع «سرد گشت و ناخوش شد» در نسخه مکتوب به سال ۷۱۴، «سرد گشت و ناخوش و پیر» که با مصراع دوم و با سیاق کلام سازگار تر است.

ب ۱۴۲۱۰:

چو در و سحر به مشک و شبه بر آمیزی دوات دار تو نازد نبره مشکان

به جای واژه «نازد»، «زیبد» صحیح است.

ب ۱۴۲۳۴:

خدای داده زشش چیز مرتو را شش چیز که عمر مرد به هرشش بماند آبادان

به جای نیم مصراع اول «جدا مباد زشش چیز» صحیح است و بیت بعد چنین است:

کف از شراب و لب از خنده و بر از معشوق دل از نشاط و تن از ناز و خانه از مهمان

ب ۱۵۸۴۰:

در سعادت بادیا هر جا که باشد روز و شب در سلامت بادیا هر جا که باشی سال و ماه

به جای «بادیا» در مصراع اول «باشیا» صحیح است که در دیوان معزی بارها آمده است.

ب ۱۷۸۹۸:

هر کجا خواهم که دریابم سبک دیدار او بازیابم زو که با من سرگران دارد همی

به جای واژه بی ارتباط «بازیابم» طبق نسخه مکتوب سال ۱۰۳۹ «بازمانم» صحیح است.

ب ۱۸۵۸۴:

شده است تیغ و کف او در جحیم و نعیم کز آن بلای نهیب است و زین امید ثواب

صورت صحیح مصراع اول طبق اقدم نسخ چنین است: «شده است تیغ و کف او  
چو در نعیم جحیم»

### ترکیب ابیات

برخی از تحریفات متن دیوان چاپ استاد اقبال به گونه ای است که بسیاری از ابیات که در  
اصل چهار مصراع بوده به صورت یک بیت درآمده و دو مصراع دوم و سوم از متن دیوان  
ساقط گردیده است. دو نمونه از این ابیات ذکر می شود:

ب ۵۴۴۸:

تیر تو را پذیره شوند آهوان دشت  
نخچیر خویش را نکشد در بن کمر  
صورت صحیح بیت طبق اقدم نسخ چنین است:

تیر تو را پذیره شوند آهوان دشت  
وز تیر تو دهند بشارت به یکدگر  
از آرزوی آنکه تو نیزه افکنی بر او  
نخجیر خویش را نکشد در بن کمر  
ب ۱۰۹۳۶:

چون تو در معرکه و شرع مبارز خواهی  
هیچ کس بر نکشد تیغ فصاحت زنیام  
صورت صحیح بیت چنین است:

چون تو در معرکه شرع مبارز خواهی  
هیچ کس زهره ندارد که نهد پیش تو گام  
چون تو از جعبه علم و خرد اندازی تیر  
هیچ کس بر نکشد تیغ فصاحت زنیام  
و بیت قبل از آن هم در متن دیوان چاپی ساقط است:

چون ببیند ز فلک دست تو را روح امین  
به عبادت شمرد بوسه سادات و کرام

### نتیجه

امیر معزی نیشابوری از فصحای نامبردار نظم فارسی و یکی از معروفترین شاعران عصر  
سلاجقه و امیر الشعراى دستگاه سلطان ملکشاه و سنجر بن ملکشاه سلجوقی بوده است. هم  
چنین اشعار این شاعر در واقع مکمل تاریخ سلجوقیان و معاصران آنان است. دیوان این  
شاعر نامبردار با وجود زحمات فراوانی که استاد فقید عباس اقبال آشتیانی در تصحیح  
دیوان این شاعر متحمل شده اند، همچنان به صورت نامستند غیر تحقیقی است. بسیاری از  
ابیات این دیوان به دلیل نبود نسخ متقدم و متعدّد با اسقاطات، برخی مبهم و محرّف و  
بسیاری از ابیات در اثنای قصاید محذوف و یا به صورت ترکیب دو بیت در یک بیت و یا

با اختلالات وزنی و عدم رعایت موازنه و ترصیع ( جدا از اغلاط مطبعی که خود فصلی جداگانه است ) ضبط شده است . با توجه به اهمیت این شاعر (در بررسی و تحلیل سبک شناسی شعر فارسی در عصر سلاجقه ) لازم و ضروری است تمامی اشعار دیوان این شاعر با مقابله با نسخ متعدد و متقدم به گونه ای علمی و تحقیقی به صورت متن منقح و شسته و رفته چاپ گردد تا دیوان این شاعر از زیر غبار اشتباهات نسخه پردازان به درآید.

## فهرست منابع

- ۱- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۱۸). **تصحیح دیوان امیر معزی**. کتابفروشی اسلامیه.
- ۲- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۳). **تاریخ ادبیات در ایران**. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات فردوسی.
- ۳- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). **نقد و تصحیح متون**. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۴- مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). **تاریخ نسخه پردازي و تصحیح انتقادی نسخه های خطی**. چاپ اول. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- منجد، صلاح الدین. (۱۳۶۴). **روش تصحیح کتابهای خطی**. مترجم محمود فاضل. چاپ اول. انتشارات دانشگاه مشهد.
- ۶- هیّری، ناصر. (۱۳۶۲). **تصحیح دیوان امیر معزی**. چاپ اول. تهران: نشر مرزبان.